

Islamic Knowledge and Insight

Intra-Surah Coherence in Surah al-Rahman: Reconsidering Its Purpose, Structure, and the Coherence of Its Verses

1. Seyed Ali Borhani: MSc, Department of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran

2. Mehdi Esmaili Sadrabadi*: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Vali Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran. (Email: esmailisadr@gmail.com)

Abstract

Research on Qur'anic coherence faces the challenge that many studies have examined the correspondence among verses merely in terms of connections between adjacent verses and textual fragments, without offering a systematic model for identifying the unified purpose of a surah and the structural relationships governing its complete set of verses. Accordingly, the principal question of the present study is through which mechanisms and operational indicators the intra-surah coherence of Surah al-Rahman can be demonstrated and how the coherence of its verses can be explained in light of the surah's central purpose. The necessity of this research arises from the need for studies of Qur'anic coherence to move beyond exclusively verse-centered analyses and toward examining the surah as a coherent discursive unit. Using discourse analysis and presenting operational models for examining coherence in Surah al-Rahman, the present study investigates this issue. The findings indicate that the surah's central purpose is to explain and remind its audience of God's universal mercy. Its verses represent this purpose through legislative and creational blessings, the creation of humankind and the universe, the governance of the cosmic order, eschatological warnings, and promises of Paradise. Furthermore, the interconnection of thematic units; the structural division of the surah according to the two realms of this world and the Hereafter and the two domains of earth and heaven; the rhetorical and mirror-like correspondence among the blessings; and the thirty-onefold repetition of the verse, "So which of your Lord's blessings will you both deny?", constitute the most significant evidence of the surah's structural, semantic, numerical, and rhythmic coherence. Consequently, Surah al-Rahman possesses a purposeful and non-random system whose components collectively serve to elucidate God's universal mercy and invite humankind and jinn to acknowledgment, gratitude, and attentiveness to their eschatological destiny. Therefore, the models proposed in this study may serve as practical frameworks for advancing studies of Qur'anic coherence from a verse-centered to a surah-centered approach.

Keywords: operational models for examining coherence, advancement of coherence studies from the verse to the surah, coherence of Surah al-Rahman.



How to cite: Borhani, S. A. & Esmaili Sadrabadi, M. (2026). Intra-Surah Coherence in Surah al-Rahman: Reconsidering Its Purpose, Structure, and the Coherence of Its Verses. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(3), 1-20.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 25 March 2026

Revise Date: 09 August 2026

Accept Date: 17 August 2026

Publish Date: 23 August 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

نظم درون سوره‌ای در سوره الرحمن: بازخوانی غرض، ساختار و پیوستگی آیات

۱. سید علی برهانی: کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران

۲. مهدی اسمعیلی صدرآبادی*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، رفسنجان، ایران. (پست الکترونیک: esmailisadr@gmail.com)

چکیده

مسئله‌شناسی نظم قرآن با این چالش مواجه است که بسیاری از پژوهش‌ها، تناسب آیات را در حد پیوندهای مجاور و پاره‌متن‌ها بررسی کرده‌اند و الگویی روشمند برای کشف غرض واحد و روابط ساختاری حاکم بر مجموعه آیات یک سوره ارائه نداده‌اند. از این رو، مسئله اصلی نوشتار حاضر آن است که نظم درون سوره‌ای سوره الرحمن با چه سازوکارها و شاخص‌های عملی قابل اثبات است و چگونه می‌توان پیوستگی آیات آن را در پرتو غرض مرکزی سوره تبیین کرد. ضرورت این پژوهش نیز از نیاز مطالعات نظم قرآن به عبور از تحلیل‌های صرفاً آیه‌محور و حرکت به سوی مطالعه سوره به مثابه واحدی گفتنی و منسجم ناشی می‌شود. پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان و با ارائه مدل‌های عملیاتی مطالعه نظم در سوره الرحمن، این مسئله را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که غرض مرکزی سوره، تبیین و یادآوری رحمت عام الهی است و آیات آن، این غرض را در قالب نعمت‌های تشریعی و تکوینی، آفرینش انسان و جهان، تدبیر نظام هستی، هشدارهای اخروی و وعده‌های بهشتی بازنمایی می‌کنند. همچنین، پیوند واحدهای موضوعی، تقسیم ساختار سوره بر اساس دو ساحت دنیا و آخرت و دو عرصه زمین و آسمان، تناظر بلاغی و آینه‌ای نعمت‌ها، و تکرار سی و یک‌باره آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، مهم‌ترین شواهد نظم ساختاری، معنایی، عددی و آهنگین سوره‌اند. در نتیجه، سوره الرحمن دارای نظامی هدفمند و غیرتصادفی است که اجزای آن در خدمت تبیین رحمانیت عام الهی و دعوت انسان و جن به تصدیق، شکرگزاری و توجه به فرجام اخروی قرار گرفته‌اند؛ از این رو، مدل‌های پیشنهادی پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی کاربردی برای توسعه مطالعات نظم قرآن از محور آیه به محور سوره به کار گرفته شوند.

کلیدواژه‌گان: مدل‌های عملی بررسی نظم، ارتقای مطالعات نظم از آیه به سوره، بررسی نظم سوره الرحمن.

شیوه استناددهی: برهانی، سید علی، و اسمعیلی صدرآبادی، مهدی. (۱۴۰۵). نظم درون سوره‌ای در سوره الرحمن: بازخوانی غرض، ساختار و پیوستگی آیات. معرفت و بصیرت اسلامی، ۴(۳)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۸ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ: ۱ شهریور ۱۴۰۵

مقدمه

هر متن یا گفتمان، نظامی زبانی و شامل مناسبات و روابط درونی خاصی است که یک مفسر با روش‌های مختلفی می‌تواند این مناسبات را درک و کشف نماید (Vaezi, 2004). مطالعه و بررسی این روابط درونی، ما را به نظم موجود در گفتمان خاص رهنمون می‌سازد. آیات و سوره‌های قرآن کریم، به مثابه گفتمان الهی در راستای هدایت بشر، دارای ساختار ادبی، ترتیب و گفتمانی به هم پیوسته و ساختاری منسجم هستند که از آن به نظم قرآن تعبیر می‌شود (Claude & Larcher, 2003). مطالعات نظم در قرآن، به عنوان کلام خداوند و وحی مصون از تحریف الهی، از کوشش‌های مهم و بنیادین بلاغی در راستای مطالعه گفتمان الهی و درک و اثبات اعجاز متنی قرآن کریم است که از جنبه‌های گوناگون، این نوع اعجاز را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد. کشف نظم در قرآن سلسله‌مراتبی دارد که عبارت‌اند از: نظم آیه‌ای، نظم بخشی (گفتمانی)، نظم سوره‌ای و نظم بینامتنی (دو سوره یا چند سوره) (Azimzadeh et al., 2001). در هر یک از این مراحل، ابعادی خاص از نظم قرآن بررسی می‌شود که هر کدام به نوعی نشانگر اعجاز چینش واژه‌ها، گزاره‌ها، بخش‌ها و سوره‌های قرآن است. در اکثر مطالعات اثبات نظم قرآن کریم، به بررسی نظم با محوریت آیات یا چند آیه پرداخته شده است؛ اما باید گفت با مطالعه دقیق ابعاد آیات مشتمل بر یک سوره، می‌توان گونه‌های مختلف و متنوعی از نظم را مشاهده نمود که کمتر مورد تأمل قرار گرفته است. کوشش این پژوهش در راستای سلسله‌مراتب نظم، ارتقای مطالعه ابعاد مختلف نظم قرآن از محوریت آیه یا بخش به محوریت سوره است. هر سوره دارای مقاصد و اهداف معین و مشخصی است که آن را در طول آیاتش دنبال نموده و درجه‌به‌درجه و قدم‌به‌قدم، برای تحقق آن پیش می‌رود و همین که هدفش تأمین شد، سوره هم با همان تکمیل گشته و در طی آیات معدودی خاتمه می‌یابد؛ چه آیات آن زیاد باشد و چه کم (Marifat & Molaeniya, 1994). به بیانی دیگر، هر سوره را می‌توان مقاله و مطالب مستقل و کاملی دانست که مقدمه، متن و

نتیجه‌گیری مستقلی از سوره‌های دیگر دارد، هر چند مطالب سوره‌ها، اعم از داستان انبیا و امت‌ها و بهشت و جهنم و توحید و قیامت، مشابه هستند، اما اگر دقت کنیم، می‌بینیم در هر سوره طرح مطالب دقیقاً در ارتباط با محور همان سوره قرار دارد و تفاوت‌های حاصل، ناشی از تفاوت مضامین سوره‌ها است (Ayazi, 2000). سوره‌های قرآن دارای یک هدف اصلی هستند و محتوای سوره با محورها و مقاصد فرعی قابل تفکیک است و هر دسته از آیات، به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، ذیل یک محور فرعی قرار می‌گیرند. این محورها در یک نکته اصلی و اساسی که هدف و غرض اصلی سوره را تشکیل می‌دهد، مشترک‌اند (Khomehgar, 2007). پژوهش حاضر، صرف‌نظر از مطالعه نظری، تئوری و کلی مطالعات نظم در سوره‌های قرآن، به کاربرست عملی این موضوع با مطالعه ابعاد مختلف نظم در سوره مبارکه «الرحمن» می‌پردازد و درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که مطالعه ابعاد مختلف نظم در سوره‌های قرآن، چه نقشی در تحول سلسله‌مراتب مطالعات نظم از مطالعه آیه یا بخش به مطالعه سوره دارد؟ میزان تأثیر این نوع مطالعات در اثبات نظم کلی مبتنی بر گفتمان سوره‌ای قرآن کریم تا چه حد است؟ در معرفی اجمالی سوره منتخب باید گفت سوره «الرحمن»، سوره‌ای مکی و مشتمل بر ۷۸ آیه است (al-Tabrisi, 2003; Muqatil ibn Sulayman, 1993; Balaghi, 1993) که در ترتیب مصحف کنونی، سوره شماره ۵۵ مصحف شریف است. این سوره، به دلیل آنکه بسیاری از نعمت‌های الهی در آن ذکر شده، در روایات اسلامی به «عروس قرآن» تعبیر شده است (al-Jurjani, 1959; Razi et al., 1988). از میان اسماء حسناى الهی، به دلیل آنکه صفت «الرحمن» به رحمت عام خداوند و نعمت‌های بزرگی همچون «کتاب» و عظمت «احسان» الهی اشعار دارد، این سوره به «الرحمن» نام‌گذاری شد (al-Thaqafi, 2007). روش اتخاذشده در تحلیل نظم سوره «الرحمن»، روش تحلیل متنی است که از رویکردهای مهم مطالعات زبان‌شناختی قرآن محسوب می‌شود و هدف آن، توصیف واحدهای زبانی مرتبط و

معنادار جمله و فراتر از جمله است (Abd al-Raof & Harri, 2012). مقصود از کاربرد عملی نیز ارائه مدل‌های مختلف عملیاتی در کشف نظم پیچیده متن یا گفتمان آیات مشتمل بر یک سوره است.

پیشینه تحقیق

در زمان معاصر، نتایج وحدت موضوعی قرآن، به‌طور عام و ساختار هندسی سوره‌های قرآن، به‌صورت خاص عنوان شد که بیشترین نظریات در این حوزه مطرح شده است (Ali al-Abyad, 2012). نقطه اشتراک آرا و نظریات معاصر در سوره‌شناسی، کشف محور و غرض واحد هر سوره یا روح کلی سوره است (Madani, 1991). این کوشش‌های نظری در راستای اثبات نظم و هدفمندی سوره‌ها، در کنار برخی کوشش‌های عملی و موردی، سعی در ارتقای مطالعات انسجام گفتمان‌های قرآنی از سطح آیه یا بخش به سطح سوره را داشته‌اند. نمونه‌ای از کوشش‌های عملی در این زمینه را می‌توان در مقاله «بررسی نظم در سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین» یافت که نویسنده در این مقاله، در دو قسمت کلی کاربرد نظری و عملی، ارتقای سطح مطالعات نظم قرآن از آیه به سوره را پیشنهاد می‌کند و این نظریه را با مطالعه نظم سوره یاسین مورد بررسی قرار می‌دهد. اما باید گفت پیرامون مطالعات عملی در راستای اثبات ابعاد مختلف نظم در سوره «الرحمن»، اثر مستقلی جز پایان‌نامه «تأملی بر پیوند آیات در سوره الرحمن» که در آن به روابط بینامتنی این سوره مبارکه پرداخته شده و مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبنتی بر الگوی تنشی)» که در این مقاله به تحلیل الگوهای گفته‌پردازی با روش نشانه‌شناختی تنشی با کاربرد نظری و عملی پرداخته، مشاهده نشده است. این مقاله، صرف‌نظر از کوشش‌های صورت گرفته، گونه‌های مختلفی از تلاش در راستای انسجام شکلی، متنی، هدفمندی، موسیقایی، بلاغی و... سوره «الرحمن» را با مطالعه موردی آیات این سوره شریفه مورد بررسی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است هر یک از ابعاد مطالعه نظم در این جستار، به‌تنهایی محور مطالعات

بسیاری از اندیشمندان علوم قرآنی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، راهکارهای مختلفی در کشف اعجاز نظم قرآن توسط دکتر عبدالعلی بازرگان مطرح شده که از جمله آن‌ها نظم بر اساس هدفمندی و موسیقی خاص هر سوره است. نظم آیات قرآن بر اساس هدفمندی، در تفاسیری همچون «نظم الدرر» و «فی ظلال القرآن» نیز مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته است. بررسی اعجاز عددی سوره‌های قرآن در آثار اندیشمندانی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، نظم بر اساس الگوی بلاغت سامی در مطالعات خاورشناسی همچون نیل رابینسون مورد توجه قرار گرفته است. در کنار این آثار، برخی مقالات نیز به جنبه‌هایی از نظم در سوره الرحمن پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:

یعقوبی کوهیخیلی، کریمی‌نیا و حسینی (Dalayeli, 2016) در مقاله «تجلی رحمت خدا به انسان در سوره الرحمن با توجه به وحدت ساختاری سوره»، با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع اسنادی و تفسیری، به بررسی جلوه‌های رحمت الهی در ساختار سوره الرحمن پرداخته‌اند. نویسندگان با تکیه بر وحدت ساختاری سوره نشان می‌دهند که آیات سوره الرحمن درصدد تبیین نظام هماهنگ و هدفمند عالم هستند؛ نظامی که از آفرینش و نعمت‌های دنیوی آغاز می‌شود و تا نعمت‌ها و فرجام اخروی انسان امتداد می‌یابد. از منظر آنان، یادکرد نعمت‌های آفرینش، زمین و آسمان، دریاها، رزق و دیگر امکانات حیات، نمود رحمت فراگیر خداوند نسبت به انسان است و توصیف باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، همسران و دیگر نعمت‌های بهشتی نیز تجلی رحمت الهی در نشئه آخرت به شمار می‌آید. این مقاله همچنین اشاره‌های سوره به دوزخ و سرنوشت مجرمان را نه ناسازگار با رحمت، بلکه هشدار تربیتی و جلوه‌ای از رحمت الهی برای بازداشتن انسان از گناه و هدایت او به سوی کمال می‌داند. تفاوت پژوهش حاضر با این مقاله در آن است که مقاله یادشده عمدتاً بر تبیین رحمت الهی نسبت به انسان متمرکز است، اما پژوهش حاضر، با محوریت «اثبات نظم» و تحلیل روابط ساختاری و پیوستگی آیات، سازوکار انسجام درون‌سوره‌ای سوره الرحمن را بررسی می‌کند.

روستائی، آجیلیان مافوق و ایماندار (Meynet et al., 2004) در مقاله «بررسی نظام‌مندی سوره الرحمن از منظر بلاغت سامی»، به مسئله انسجام و ساختار درونی سوره الرحمن بر اساس نظریه بلاغت سامی و روش تحلیلی میشل کوپرس پرداخته‌اند. نویسندگان با روش توصیفی - تحلیلی، سوره الرحمن را به ده بخش مرتبط تقسیم کرده و روابط میان این بخش‌ها را بر پایه الگوهای تقارن، توازی، تقابل و رابطه علت و معلولی بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که ساختار سوره، از منظر بلاغت سامی، در قالب یک مقطع متوازی شش‌جزئی قابل تحلیل است؛ بدین‌صورت که سه بخش نخست، موضوعات اصلی سوره را مطرح می‌کنند و سه بخش دوم با سه بخش نخست، به ترتیب، ارتباط تقابلی، علت و معلولی و تقابلی دارند. به باور نویسندگان، کشف ارتباط میان بخش‌های دور از هم سوره، علاوه بر اثبات نظام‌مندی و پیوستگی آیات، زمینه فهم دقیق‌تر مراد الهی و تولید معانی تازه از متن را فراهم می‌کند. تفاوت پژوهش حاضر با مقاله مذکور در آن است که مقاله یادشده به‌طور خاص از الگوی بلاغت سامی کوپرس برای تحلیل تقارن‌های ساختاری استفاده کرده است؛ اما پژوهش حاضر، با تمرکز بر «کاربست عملی اثبات نظم» و کشف غرض محوری سوره، به تحلیل جامع‌تر ارتباط آیات، تکرارها و سیر معنایی سوره الرحمن می‌پردازد.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که سوره الرحمن را صرفاً از منظر وحدت موضوعی، تجلی رحمت الهی یا الگوهای تقارن بلاغت سامی بررسی نمی‌کند، بلکه با تمرکز بر کاربرد عملی نظریه اثبات نظم در سوره‌های قرآن، می‌کوشد سازوکار تحقق نظم درون‌سوره‌ای را در پیوند میان غرض مرکزی، ترتیب آیات، تکرارهای هدفمند و سیر معنایی سوره الرحمن تبیین کند. در این رویکرد، آیه تکرارشونده ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ تنها یک صنعت ادبی یا عامل انسجام لفظی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌منزله محور ارتباطی و تربیتی سوره تحلیل می‌گردد که بخش‌های گوناگون نعمت‌های تکوینی و تشریعی، نشانه‌های قدرت الهی، هشدارهای اخروی و وعده‌های بهشتی را به غرض واحد تبیین رحمانیت الهی و دعوت

انسان و جن به تصدیق و شکر نعمت‌ها پیوند می‌دهد. بنابراین، این پژوهش با ارائه الگویی کاربردی برای اثبات پیوستگی آیات و کشف غرض سوره، ظرفیت نظریه نظم را در تفسیر موضوعی و ساختاری قرآن نشان می‌دهد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

نظم و انسجام ساختاری سوره الرحمن بر چه محور و غرض مرکزی استوار است؟

پرسش‌های فرعی

تکرار آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ چه نقشی در پیوند بخش‌های مختلف سوره الرحمن دارد؟

کاربست نظریه نظم در سوره الرحمن چه کارکردی در کشف پیام‌های توحیدی و تربیتی این سوره دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

سوره الرحمن دارای نظامی هدفمند و منسجم است که همه آیات آن حول محور تبیین رحمانیت عام الهی و دعوت انسان و جن به شناخت، تصدیق و شکر نعمت‌های خداوند سامان یافته‌اند.

فرضیه‌های فرعی

تکرار آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ محور ارتباط‌دهنده بخش‌های گوناگون سوره است و با یادآوری مستمر نعمت‌ها، مخاطبان را به ترک تکذیب و پذیرش مسئولیت در برابر نعمت‌های الهی فرا می‌خواند.

تحلیل نظم سوره الرحمن نشان می‌دهد که چینش آیات، سیر تربیتی مخاطب را از شناخت نعمت‌های تکوینی و تشریعی به توجه به فناپذیری دنیا، حساب‌رسی اخروی و امید به نعمت‌های بهشتی هدایت می‌کند.

روش‌های مختلف عملیاتی در اثبات نظم سوره «الرحمن»
مقاله حاضر با به‌کارگیری اقسام روش‌های تحلیل گفتمان قرآنی که هر یک می‌توانند به‌تنهایی کوشش مستقلی در راستای تحلیل انسجام

محتوایی متون به حساب آیند، تلفیقی از انواع روش‌های اثبات نظم را پیشنهاد نموده و روش‌های مختلف بررسی متن را در مورد سوره «الرحمن» به کار می‌گیرد و در این راستا، تقسیم‌بندی‌های زیر را برای اثبات نظم سوره پیشنهاد می‌کند:

نظم کلی بر اساس هدفمندی سوره

هدف کلی قرآن، بیان آموزه‌های توحیدی به اقسام شیوه‌های اثرگذار در راستای عمق‌بخشی بیشتر و نفوذ معارف توحیدی در جان انسان است و اگر قرآن از موضوعات مختلف بحث می‌کند، همه برای رسیدن به یک هدف است و در این کار، مصلحت عالی در نظر گرفته شده است و آیات یک سوره در ارتباط با یکدیگرند (Qutb, 1995). تمامی آیات یک سوره بر مدار روح کلی سوره می‌چرخند که در واقع، هدف کلی سوره را در بر می‌گیرد. اقتدار الهی به وسیله نشان دادن رحمت عمومی که بر غضب الهی سبقت دارد، به وسیله نشان دادن عجایب خلقت، آفرینش موجودات و با اسلوب تذکر و یادآوری نعمت‌ها تحقق می‌یابد که تمام صفات حسناى الهی در آن جمع است، روح کلی سوره الرحمن را تشکیل می‌دهد. پس مقصود کلی سوره، اثبات صفت رحمانیت عام خداوند در قالب‌های گوناگون است (Fakhr al-Din al-Razi, 2000). لذا باید

گفت این سوره کریمه به‌طور کلی، حول محور بیان نعمت‌های الهی در دنیا و آخرت و ترغیب به شکر این نعمت‌ها و هشدار به تکذیب این نعمت‌ها جریان دارد که بدین وسیله، صفت رحمانیت الهی تحقق می‌یابد (Muslim, 2010). علامه طباطبایی، هدف و غرض سوره «الرحمن» را این گونه تبیین می‌کند: «این سوره در این مقام است که خاطرنشان سازد که خدای تعالی، عالم و اجزای آن از قبیل زمین و آسمان و خشکی‌ها و دریاها و انس و جن را طوری آفریده و نیز اجزای هر یک را طوری نظم داده که جن و انس بتوانند در زندگی خود از آن بهره‌مند شوند، و قهراً عالم به دو قسمت و دو نشئه تقسیم می‌شود؛ یکی نشئه دنیا که به‌زودی خودش با اهلش فانی می‌شود و یکی دیگر نشئه آخرت که همیشه باقی است، و در آن نشئه سعادت از شقاوت و نعمت از نعمت متمایز می‌گردد. با این بیان روشن می‌شود که عالم هستی، از دنیایش گرفته تا آخرتش، نظامی واحد دارد، تمامی اجزا و ابعاد این عالم با اجزا و ابعاد آن عالم مرتبط است و اجزای عالم هستی ارکانی قویم دارد؛ ارکانی که یکدیگر را اصلاح می‌کنند، این جزء مایه تمامیت آن جزء دیگر، و آن مایه تمامیت این است» (Tabatabaei & Mousavi, 1995).

نمودار مفهومی هدف و روح کلی سوره الرحمن



کشف نظم سوره بر پایه شناخت سبب نزول سوره

شناخت شأن نزول آیات و سوره‌ها، نقش بسیار مهمی در فهم و درک معانی قرآن و کشف اغراض و اهداف سوره‌ها دارد. «شأن نزول» در مواردی به‌طور مستقیم در تعیین غرض سوره نقش دارد و آن در جایی است که شأن نزول درباره آیات کلیدی و محوری سوره بوده یا شأن نزول درباره تمام سوره باشد، نه آیه‌ای خاص (Khomehgar, 2007).

سبب نزول سوره «الرحمن» ارتباط مستقیمی با آیات این سوره کریمه دارد. مفسران فریقین، در ذکر داستان مربوط به سبب نزول این سوره متفق‌اند و آن را پیرامون پرسش کفار مکه از صفت «الرحمن» خداوند می‌دانند. مقاتل بن سلیمان در تفسیرش می‌نویسد: «زمانی که آیه ۶۰ سوره «الفرقان»: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ﴾ نازل شد، کفار مکه گفتند: مقصود از «الرحمن» کیست که فرمان به سجده داده شده است و رحمن را انکار کردند؛ پس سوره «الرحمن» نازل شد و صفت «رحمن» در این سوره به تفصیل توضیح داده شد» (al-Samarqandi, 1995; al-Tabrisi & Balaghi, 1993; Maybodi, 1992; Muqatil ibn Sulayman, 2003). این وهب، کفار مکه را که از «رحمن» پرسیده بودند، ابوجهل، ولید بن عتبّه و شبیه معرفی می‌کند (al-Dinawari, 2003). در تفسیر «روض الجنان» از قرائت سوره «الرحمن» توسط عبدالله بن مسعود برای کفار قریش و ضرب و جرح وی توسط کفار یاد شده است (Razi et al., 1988). در تفسیر «بحرالمحیط»، سبب نزول سوره با آیه ۱۰۳ سوره «نحل» ارتباط یافته است: ﴿أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ﴾ و در ادامه بیان شده که خداوند متعال، در تکذیب و بطلان کلام ایشان، سوره «الرحمن» را نازل کرد (Abu Hayyan, 2000). در نهایت، در سبب نزول سوره، در تفسیر «منهج الصادقین» چنین آمده است: «گفته‌اند که اهل مکه طعنه می‌زدند که خبر و یسار قرآن به محمد می‌آموزانند؛ حق سبحانه فرمود که خداوند بسیار بخشش که رحمت او همه چیز را فرا رسیده است» (al-Jurjani, 1959).

لذا تمامی مفسران مذکور در بیان سبب نزول آیه، به‌صورت کلی اتفاق نظر دارند و آن را پیرامون پرسش کفار در مورد صفت «الرحمن» خداوند می‌دانند و در جزئیات این سبب نزول، اختلافاتی نیز دیده می‌شود. این سبب نزول نشان می‌دهد غرض خداوند در سوره «الرحمن»، معرفی صفت رحمانیت الهی است که به شکل‌ها و قالب‌های مختلف در سراسر سوره تجلی یافته است. هرچند کیفیت معرفی این صفت در تمامی آیات سوره یکسان نیست، اما رحمانیت الهی در سراسر سوره متجلی است.

کشف نظم سوره با تقسیم‌بندی دوبخشی با محوریت زمان و مکان

عنصر زمان، یکی از مهم‌ترین بخش‌های یک گفتمان یا متن است. زمان در سیر حوادث گفتمان و رشد و نمو آن تأثیر بسزایی دارد. خارج شدن گفتمان از محدوده زمان سبب می‌گردد که حادثه را عاری از حرکت و زندگی گرداند. آن را به درختی تبدیل می‌کند که از ریشه‌هایش جدا شده است (al-Khatib, 1975). همچنین، مکان مجموعه‌ای از روابط، نگرش‌ها و دیدگاه‌های به‌هم پیوسته و منسجم است که فضای داستانی را می‌سازد. مکان به همان اندازه منظم و سازمان‌یافته است که زمان و دیگر عناصر به نظم رسیده است. از این‌رو، مکان در دیگر عناصر گفتمان یا داستان مؤثر است؛ نفوذ و حضور آن‌ها را تقویت می‌کند و اهداف نویسنده را روشن می‌سازد (Bahrawi, 1990). نقش محوری زمان و مکان در سوره «الرحمن»، کوششی در راستای کشف انسجام و نظم این سوره است. به‌طور کلی، می‌توان آیات این سوره را به دو محور زمانی و مکانی حال و آینده؛ دنیا و آخرت تقسیم نمود. محوریت موضوعی هر دو زمان و مکان نیز شمارش نعمت‌های الهی است. در واقع، با شمارش نعمت‌های الهی در صدد یادآوری صفت «الرحمن» است که روح کلی سوره را این صفت در بر گرفته است. نعمت‌های دنیوی در زمان حال به انسان اعطا شده است و موهبت‌های دنیوی که از ابتدای سوره آغاز می‌شود و تا آیه ۳۴ ادامه دارد، رحمت خداوند متعال در این جهان را متجلی می‌سازد و نعمت‌های اخروی که تا پایان سوره نام

برده شده، رحمت خداوند در جهان پس از مرگ را یادآوری می‌کند.

بررسی نظم سوره با تقسیم به واحدهای موضوعی (رکوعات)

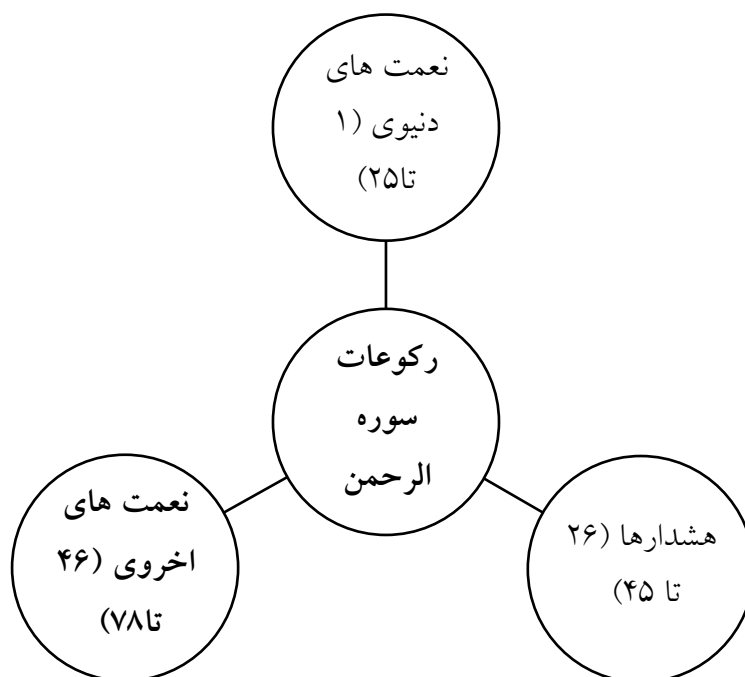
رکوعات یا همان واحدهای موضوعی درون سوره‌های قرآن، با علامت «ع» در مصاحف قرآنی تعیین شده و از پیشینه تاریخی کهن برخوردار است؛ اما در برخی چاپ‌های قرآن کریم در قرن اخیر، به علت عدم توجه به اهمیت این تقسیم‌بندی، این علامت حذف شده است. رکوعات قرآنی درصدد مطرح کردن روش خوانش و چگونگی فهم و ارتباط موضوعی آیات قرآن است. واحدهای موضوعی (رکوعات) جنبه موضوعی دارند و هر واحد موضوعی در مقام بیان یک موضوع است و واحدهای موضوعی آغاز و انجام موضوعی دارند (Moradi Zanjani & Lesani Fesharaki, 2006).

بر اساس تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته پیرامون سوره «الرحمن»، این سوره شامل سه رکوع است.

رکوع اول، آیات ۱ تا ۲۵) محور موضوعی رکوع نخست، شمارش نعمت‌های دنیوی است. در واقع، با شمارش این نعمت‌ها، مصداقی از صفت رحمت عام (رحمن) که در ابتدای سوره به آن اشاره شده، بیان گردیده است. برخی از این نعمت‌های دنیوی مربوط به انسان است و برخی دیگر پیرامون جهانی که در آن قرار دارد. به‌طور کلی، یادآوری نعمت خلقت انسان (۳ و ۱۴)، خلقت آسمان و اجرام آسمانی (۵-۷)، خلقت زمین و خوراکی‌های زمینی (۱۰-۱۲) و خلقت دریا و نعمت‌های مربوط به آن (۱۹-۲۴)، موهبت‌های دنیوی است که توسط خداوند رحمن به بشر اعطا شده است.

رکوع دوم، آیات ۲۶ تا ۴۵) انسان‌ها در برابر چنین موهبت‌هایی چه‌بسا طریقه ناسپاسی یا غرور پیش بگیرند؛ لذا پس از بیان نعمت‌های دنیوی که هر یک نقش حیاتی در تداوم بشر دارند، هشدارهایی مطرح شده است. این هشدارها از سوی خداوند رحمن، در راستای رعایت اعتدال در استفاده از نعمت‌ها عنوان گردیده است. دو محور اصلی هشدارها در رکوع دوم، یادآوری مرگ و یادآوری معاد است. یادآوری مرگ در آیه نخست رکوع بیان گردیده و تنها ذات باقی، خداوند متعال معرفی شده است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَبَاقِيَ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (۲۷)؛ در ادامه آیات رکوع، هشدار دوم مطرح می‌شود که همان معاد و آخرت است. این هشدار با بیان یکی از نشانه‌های قیامت آغاز می‌گردد: ﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ (۳۷)؛ و با بیان سرنوشت مجرمان پایان می‌پذیرد (۳۹-۴۵). در واقع، خداوند متعال با بیان این هشدارها نیز رحمت خود را متجلی می‌سازد؛ چرا که اولاً هر یک از موارد مذکور مربوط به مرگ و معاد نیز نوعی نعمت محسوب می‌شود که در حوزه عدالت الهی است؛ ثانیاً هشدار و بیم توسط خداوند، رحمتی برای بشر در راستای تمسک به صراط مستقیم و نجات از عذاب است.

رکوع سوم، آیات ۴۶ تا ۷۸) محور موضوعی در رکوع سوم یا رکوع آخر سوره، بیان عاقبت و تجلی صفت «رحمن» در روز قیامت برای نیکان یا کسانی است که این صفت الهی را دریافته‌اند. در واقع، نعمت‌های دنیوی نشانه‌هایی برای رسیدن به هدایت و نجات و دستیابی به بهشت است. نعمت‌هایی که در آیات ۴۶ تا انتهای سوره بیان گردیده، رحمت و اسعه الهی در جهانی ماورای جهان مادی است و نعمت‌های مذکور، هرکدام تجلی قابل‌فهم بشری از نعمت‌های غیرقابل‌تصور اخروی برای کسانی است که «خوف» الهی داشته باشند: ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (۴۶).



کشف نظم سوره بر اساس الگوی بلاغت سامی

مطابق بلاغت سامی، متون بر اساس مجموعه پیچیده‌ای از تقارن‌ها در سطوح مختلف متن بنا شده‌اند. کاربرد این نظریه که با «تحلیل بلاغی» از آن یاد می‌شود، تبیین نظم متون را عهده‌دار است. تحلیل بلاغی، تشخیص روابط موجود میان عناصر سازنده متن، علاوه بر اثبات پیوستگی کلام، اساساً به دنبال تعیین اشکال گوناگون تقارن است. این تقارن‌ها ساختمان متن را می‌سازند. سه نوع تقارن یا سه شکل تألیف وجود دارد: ۱. توازی یا ساختار متوازی؛ وقتی که واحدهای یک متن به همان ترتیب نخست بازظهور یابند. ۲. ترکیب دایره‌ای یا حلقوی؛ وقتی که واحدهای یک متن به صورت دایره‌ای متحدالمرکز مرتب می‌شوند. ۳. نظم آینه‌ای یا معکوس؛ وقتی که عنصر وجود ندارد (Meynet et al., 2004). این اشکال می‌تواند معادل لف و نشر مرتب و مشوش (معکوس) در بلاغت کلاسیک عربی ارزیابی شود.

بلاغت سامی در آیات سوره «الرحمن»، به صورت الگوی سوم یا نظم آینه‌ای یافت می‌شود. خلقت انسان، خلقت آسمان و خلقت زمین، سه نعمت دنیوی است که از سوی خداوند «رحمن» ارزانی شده است. در آیات سوره «الرحمن»، این خلقت‌ها در قالب‌های گوناگونی مورد

توجه قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که یادآوری متوالی هر یک از این خلقت‌ها، به اشکال مختلفی در سوره نمایش یافته است که حکایت از نظم سوره دارد. در ابتدای سوره و پس از ذکر صفت رحمانیت خداوند، به نخستین موهبت، یعنی خلقت انسان اشاره شده است: ﴿الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)﴾ (A)؛ در ادامه، از آفرینش و خلقت آسمان و آنچه در آسمان وجود دارد، به عنوان الگوی شمارش نعمت‌ها یاد شده است: ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)﴾ (B)؛ در این آیات، مصادیقی از خلقت‌های آسمانی، مانند آفرینش خورشید، ماه و شبکه ستارگان، بیان گردیده که این نعمت‌ها مصادیقی از «رحمانیت» خداوند را متجلی می‌سازند. در ادامه آیات، آفرینش زمین و نعمت‌های زمینی مورد تأکید قرار گرفته است: ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)﴾ (C)؛ در ادامه آیات سوره، بار دیگر نعمت خلقت انسان مورد تأکید قرار گرفته و طی آن، کیفیت خلقت بیان شده است: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)﴾ (A)؛ مقصود از «صلصال» در آیه شریفه، گل خشک یا لجن بدبو و مقصود از «الفخار»، به شکل و مانند آجر و سفال است (al-

کشف نظم سوره با محوریت ترتیبی

الگوی دیگری که می‌توان به‌وسیله آن، انسجام محتوایی سوره را کشف نمود، توجه سوره به مراحل زمانی خلقت، مرگ و بازگشت و معاد است. مبدأ و معاد در این سوره، با حفظ ترتیب زمانی، از آیات ابتدایی سوره با بیان خلقت انسان آغاز می‌شود و با بیان فانی بودن و مرگ وی ادامه می‌یابد و با ذکر معاد و بازگشت مجدد وی پایان می‌پذیرد. یادآوری خلقت انسان نخست در آیه سوم این سوره تجلی دارد: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ (۳)؛ در آیه ۱۴ بار دیگر سخن از خلقت انسان به میان می‌آید و در این آیه، توضیح کوتاهی در مورد کیفیت خلقت نیز مطرح شده است: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾ (۱۴)؛ پس از بیان خلقت انسان، در ادامه آیات سوره و در خلال شمارش نعمت‌های دنیوی، سخن از فانی بودن همه‌چیز به میان می‌آید: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ (۲۶) وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)؛ به‌دلیل استفاده از ضمیر «من» در آیه شریفه، مقصود آیه، فانی بودن موجودات دارای شعور (انس و جان) است (Tabatabaei & Mousavi, 1995). از آیه شریفه ۳۷ تا انتهای سوره نیز به معاد و بازگشت انسان پس از مرگ پرداخته شده است و سرنوشت انسان در قیامت را به تصویر می‌کشد. لذا سه مرحله اصلی و کلی پیرامون آفرینش و مرگ و بازگشت، در این سوره و با رعایت ترتیب زمانی بیان گردیده است.

(Tabrisi & Balaghi, 1993). در آیات بعدی، بار دیگر سخن از خلقت زمین و نعمت‌های زمینی به میان آمده و ذکر این نعمت‌ها از آیه ۱۷ آغاز شده و تا آیه ۲۵ ادامه دارد. خلقت مشرقین (مشرق تابستان و مشرق زمستان) (Razi, 1992; Makarem Shirazi, 1992; et al., 1988). خلقت دو دریای شور و شیرین و استخراج مروارید و مرجان از این دو دریا (۱۹-۲۲) و در نهایت، ذکر نعمت رام کردن دریا برای کشتی‌رانی (۲۴ و ۲۵)، نعمت‌های زمینی است که در این آیات بر آن تأکید شده است (C^۱)؛ در آیه ۳۷ سوره «الرحمن»، بار دیگر سخن از آسمان به میان می‌آید؛ با این تفاوت که در این آیه، به سرنوشت آسمان در زمان قیامت اشاره شده است: ﴿إِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ (۳۷) (B^۲)؛ ساختار بلاغت سامی یا نظم متقارن سوره نشانگر نظم خاص و ضمنی است که هرکدام از آیات، به‌گونه‌ای مصادیقی از صفت «الرحمن» را نمایش می‌دهند. نظم آیات در بیان خلقت انسان به‌صورت اجمال و تفصیل (خلقت و کیفیت خلقت)، نظم آیات در بیان خلقت زمین به شیوه تناسب (تنوع در بیان نعمت‌های زمینی) و نظم آیات در بیان خلقت آسمان به‌صورت مقدمه و نتیجه (خلقت آسمان و عاقبت آسمان) تجلی یافته است.

معاد (بازگشت) مرگ (پایان حیات) مبدأ (خلقت)

کشف نظم سوره بر اساس بررسی آغازین و پایانی سوره

برخی معتقدند که آغاز و انجام هر سوره دارای ارتباط است (Azimzadeh et al., 2001). تناسب مطلع و ختام یک مقاله یا نوشته یا خطابه با اهداف آن، از ارکان مهم بلاغت و از شروط اصلی آن است. قرآن کریم در تمامی سوره‌ها و آیاتش، به بهترین وجه از چنین نظم و تناسبی برخوردار است؛ به طوری که تمام سوره‌ها مشتمل بر بهترین مبادی و بالاترین و برترین خواتیم است. بنابراین، باید در این زمینه، مقاصد و اهداف بزرگی باشد که این دو حسن و زیبایی (تناسب فواتح و خواتیم سور) را به هم پیوند داده و کمال اتصال را به آن ببخشد و همراه آن دو، نظمی شگفت‌انگیز بین تمام اعضا و کلمات و حروف هر سوره استوار باشد (Marifat & Molaeiniya, 1994).

آغاز و انجام منسجم و مرتبط، در سوره الرحمن نیز یافت می‌شود. نخستین آیه سوره «الرحمن» که نام سوره نیز از این صفت برگرفته شده، بیانگر رحمت عام خداوند بر بشر است. خداوند متعال، به سبب رحمانیت خود، نعمت‌های بسیاری را به بشر ارزانی داشته که بسیاری از این نعمت‌ها را در سوره «الرحمن» ذکر نموده است. برخی از این نعمت‌ها مربوط به جهان ماده و برخی نیز مربوط به جهان ماورای ماده است. نعمت‌های مادی، اعم از زمینی و آسمانی، برای بشر محسوس و ملموس است و در واقع، به وسیله همین نعمت‌هاست که حیات انسان تداوم می‌یابد. نعمت‌های ماورایی و معنوی نیز هر چند از حوزه درک انسان خارج است، اما با بیان جلوه‌ها و تمثیل‌ها در توضیح این نعمت‌ها، آمادگی تلاش در راستای نیل به این نعمت‌ها را فراهم می‌سازد. ذکر نعمت‌ها از دومین آیه سوره «الرحمن» و پس از ذکر صفت رحمانیت خداوند آغاز می‌شود. نخستین نعمت، خلقت انسان و پس از آن، تعلیم قرائت و خواندن به انسان است: ﴿الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)﴾؛ در سراسر سوره مبارکه، مصادیقی از رحمانیت خداوند در قالب شمارش نعمت‌های الهی بیان گردیده است. به عبارتی دیگر، در ابتدای سوره به صورت کلی از رحمت خداوند یاد شده و این رحمت در سراسر آیات سوره به صورت

مصادیقی تبیین گردیده است. در آیه پایانی سوره، پس از اتمام شمارش نعمت‌های دنیوی و اخروی، نتیجه صفت «رحمن» خداوند را پربرکت بودن و زوال‌ناپذیری نام نیکوی پروردگار معرفی می‌کند: ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (۷۸)؛ در واقع، آیه پایانی سوره، به عنوان مبین و شارح آیه نخست، صفت «الرحمن» را از اسماء حسناى الهی و متعلق به خداوند گرامی و صاحب جلال و شوکت می‌داند. به بیانی دیگر، آیه آخر سوره «الرحمن»، «ثانی است جمیل برای خدای تعالی که چگونه دو نشئه دنیا و آخرت مالا مال از نعمت‌ها و آلاء و برکات نازله از ناحیه او شده و رحمتش سراسر دو جهان را فرا گرفته، با همین بیان روشن می‌شود که مراد از «اسم متبارک خدای تعالی» همان رحمان است که سوره با آن آغاز شده و کلمه «تبارک» - به ضمه راء - مصدر باب تفاعل است و کثرت خیرات و برکات صادره را معنا می‌دهد» (Tabatabaei & Mousavi, 1995).

کشف نظم سوره با بررسی ارتباط نام سوره و آیه شاخص سوره

رحمان از صفات خداوند است. مأخذ نام‌گذاری این سوره به این دلیل است که در آیه نخست، لفظ «الرحمن» آمده است و رحمن دلالت بر زیادی رحمت خدا دارد و خداوند در این سوره، رحمت و نعمت عمومی خویش را به مردم یادآوری می‌کند (al-Tabrisi & Balaghi, 1993; Makarem Shirazi, 1992; Tabatabaei & Mousavi, 1995). شاخص‌ترین آیه سوره «الرحمن» که بسامد ۳۱ مرتبه‌ای در سوره دارد، آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ است که نخستین کاربرد آن در آیه ۱۳ سوره «الرحمن» و آخرین کاربرد آن در آیه ۷۷ این سوره است. کلمه «آلاء» به معنای نعمت‌ها و مفرد آلاء، «أَلًا» و «إِلًا» است، مانند «أنا» و «إني» که مفرد «آناء» است (al-Raghib al-Isfahani, 1995). مقصود از «تکذیب آلاء الهی»، کفر به آیات خدا و غفلت از نعمت‌هایی ارزانی شده به انسان است (Fakhr al-Din al-Razi, 2000). در واقع، این آیه و تکرار آن در سراسر سوره، التفاتی است بر ابتدای

سوره که نام سوره را نیز در بر می گیرد و با خطاب همگانی، تکذیب و انکار «آلاء الرحمن» یا همان نعمت های الهی را که از رحمت عام خدا نشئت می گیرد، توبیخ می کند (Fakhr al-Din al-Razi, 2000). ارتباطی متناسب میان نام سوره و آیه شاخص سوره را می توان از نوع عام و خاص دانست؛ چراکه رحمت عام خداوند، نعمت های خدا را هم شامل می شود.

کشف نظم عددی با محوریت آیه شاخص سوره

وجود نظم عددی میان برخی آیات سوره و ارتباط آن ها با آیه شاخص سوره، شاهی دیگر بر نظم و انسجام سوره «الرحمن» است. شاهد مثال ۱) در توضیح وجود این نوع نظم در سوره باید گفت از آیه ۳۵ تا ۴۵ سوره که مشتمل بر ده آیه است، توصیف قیامت و نشانه های آن و همچنین هشدار به کافران در جدی گرفتن قیامت و اندازهای الهی بیان گردیده است. از میان این ده آیه، پنج مرتبه آیه شاخص سوره تکرار شده است؛ یعنی دقیقاً در نیمی از آیات، آیه

شاخص سوره را می توان یافت. ادامه آیات تا پایان سوره به توصیف احوال بهشتیان اختصاص دارد که آیات ۴۶ تا ۷۸ سوره را در بر می گیرد و شامل ۳۲ آیه است. نظم عددی را می توان در این آیات نیز مشاهده نمود؛ چراکه آیه شاخص سوره در این آیات نیز نیمی از آیات را شامل می شود و بسامد ۱۶ مرتبه ای دارد.

شاهد مثال ۲) شاهد مثالی دیگر در نظم موجود در سوره «الرحمن»، یکسان بودن مرتبه شمارش یادآوری نعمت های دنیوی و اخروی با تعداد تکرار آیه شاخص سوره است. نعمت های دنیوی و اخروی در سوره «الرحمن» بسامد ۳۱ مرتبه ای دارد که این عدد دقیقاً با مقیاس آیه شاخص سوره برابر است. خاطرنشان می گردد مقصود از نعمت های دنیوی و اخروی، نعمت هایی است که به صورت مصداقی یادآوری شده است و نعمت های کلی یا صفات الهی از این حوزه خارج است.

جدول ۱. مصداق نعمت در آیات

ردیف	متن آیه مشتمل بر نعمت دنیوی یا اخروی	مصداق نعمت
۱	عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)	تعلیم قرائت
۲	خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)	خلقت
۳	عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)	تعلیم بیان
۴	الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)	نظم در آفرینش خورشید و ماه جهت محاسبه روز و شب
۵	وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)	تحت فرمان بودن ستارگان و شبکه کهکشانی
۶	وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)	مرفوع و موزون بودن آسمان
۷	وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)	آماده بودن زمین برای زندگی موجودات
۸	فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)	آفرینش میوه ها
۹	وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)	آفرینش دانه و گیاهان خوشبو
۱۰	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)	آفرینش انسان از گل و خاک که از ارکان اصلی طبیعت هستند
۱۱	وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵)	خلقت جن از آتش که از ارکان طبیعت است
۱۲	رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)	آفرینش دو مشرق و دو مغرب
۱۳	مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)	خلقت دو دریای شور و شیرین
۱۴	بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰)	قرار دادن حائل و مانع بین دو دریا
۱۵	يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)	استخراج مروارید و مرجان از دو دریا
۱۶	وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)	حرکت کشتی ها در دریاها
۱۷	وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶)	خلقت دو بهشت
۱۸	ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸)	قرار دادن اقسام نعمت ها در دو بهشت
۱۹	فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)	جاری بودن چشمه ها در دو بهشت

۲۰	فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)	وجود داشتن دو میوه از هر نوع
۲۱	مُتَكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَانُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانِ (۵۴)	فراهم بودن اسباب استراحت برای بهشتیان
۲۲	فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶)	نعمت حورالعین بهشتی
۲۳	كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)	شبهات این حورالعین به مروارید و مرجان که بازتابی از نهایت زیبایی آن‌هاست
۲۴	وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)	خلقت دو بهشت دیگر
۲۵	مُدْهَامَتَانِ (۶۴)	خرمی و سرسبزی دو بهشت
۲۶	فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)	جاری بودن دو چشمه جوشان
۲۷	فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رَمَّانٌ (۶۸)	وجود میوه‌ها در دو بهشت
۲۸	فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ (۷۰)	زنان نیکووجه
۲۹	حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲)	حورالعین بهشتی
۳۰	لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷۴)	باکره بودن حورالعین
۳۱	مُتَكِنِينَ عَلَى رَقَرٍ خَضِرٍ وَ عِبْقَرٍ حَسَنِ (۷۶)	فراهم بودن اسباب آسایش برای بهشتیان

نظم آهنگ و موسیقی در فواصل آیات

از دیگر راه‌های کشف نظم در سوره مبارکه «الرحمن»، ساختار منظم موسیقایی این سوره است که در انتهای آیات یا فواصل آیات سوره تجلی یافته است. هماهنگی و هارمونی آوایی در فواصل این سوره، یکی از شاخصه‌هایی است که ذهن مخاطب را به درک بهتر این مفاهیم سوق می‌دهد. از نظر حرفی، فاصله «همان کلمه پایانی است که با قرینه مشخص می‌شود و جمع آن فواصل است. به آن فاصله گویند؛ چون با آن، دو کلام از هم جدا می‌شوند» (al-Houfi, 1971). نگاهی به فواصل آیات سوره «الرحمن»، نشانگر نظم موسیقایی خاص و یکسانی است که در اکثر آیات به کار رفته و این نظم موسیقی با نام سوره و آیه شاخص سوره نیز هماهنگ است: این نظم، تکرار حروف «الف و نون» در انتهای اکثر آیات سوره است: «الرحمن»؛ ﴿قَبَائِلُ آلِ رَبِّكَمَا تُكَذِّبَانِ﴾ الف مدی، به‌خاطر امتداد صدا به‌هنگام تلفظ آن، بر رفعت و عظمت خداوند متعال دلالت می‌کند؛ رفعتی و رای بلندای آسمان که با لفظ «سما» در آیه ۷ متناسب است: ﴿وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ (۷)؛ و بر گستردگی و وفور نعمت‌های او در حق بندگانش اشاره دارد؛ گستردگی‌ای که پهنه هستی، مشتمل بر زمین، آسمان و بهشت، نمادی از آن است. همچنین، حرف «نون» از حروف مهجور و متوسط بین شدت و رخوت است. برخی از زبان‌شناسان آن را برای تعبیر از صمیمیت

به کار می‌گیرند (Abbas, 1998). تکرار این حرف در سطح کلی سوره، بیانگر وضوح و روشنی نعمت‌هایی است که خداوند به انسان عرضه نموده تا عظمت خداوند را به تصویر بکشد (Nazari & Lotfi, 2013) و به این ترتیب، در سراسر آیات سوره، در قالب‌های گوناگون مادی، معنوی، دنیوی و اخروی، نعمت‌های الهی را متجلی ساخته است.

کشف نظم سوره بر پایه استخراج تقابل‌های دوگانه

در اصطلاح معناشناسی، هرگاه دو مفهوم کاملاً در مقابل هم قرار بگیرند، تقابل شکل می‌گیرد، همانند رودررویی واژگان ایمان و کفر (Izutsu & Poursina, 1999; Matloub, 2000). از راه‌های کشف نظم سوره الرحمن، چینش بسیاری از عناصر و کلمات سوره بر پایه تضاد مفهومی یا گزاره‌های مقابل، ولی مرتبط با هم است؛ به گونه‌ای که پس از یادکرد از گفتمان‌های مقابل یا متضاد، اما مرتبط با هم، آیه شاخص سوره ﴿قَبَائِلُ آلِ رَبِّكَمَا تُكَذِّبَانِ﴾ ذکر می‌شود. تمامی تقابل‌های دوگانه سوره بر اساس هدف سوره، یعنی تحقق صفت «الرحمن»، مطرح گردیده‌اند.

تقابل سماء و ارض

خلقت آسمان و زمین و مراحل و کیفیت آن، در آیات آغازین سوره «الرحمن» مطرح گردیده است. «سما» نشانه رفعت و «ارض» نشانه «فرود» است؛ لذا این دو، مفهوم گفتمانی مقابل را تشکیل می‌دهند.

مشرق و دو مغرب است. باید توجه داشت تمامی نظریات مطرح شده در مصداق این آیه نیز مؤید تقابل مفهومی این دو واژه هستند.

تقابل فانی و باقی

پس از شمارش نعمت‌های دنیوی و اختصاص این نعمت‌ها برای انسان، وجود این نعمت‌ها را مقطعی می‌شمارد؛ چرا که انسان می‌تواند در مدت‌زمان محدودی که در اختیار دارد، از این نعمت‌ها استفاده کند و ذات و ماهیت انسان، فناپذیری و مرگ است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ (۲۶)؛ در مقابل ذات فانی انسان، خداوند متعال ذات باقی و همیشگی است: ﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (۲۷).

تقابل جهنم و بهشت

در ادامه آیات سوره «الرحمن»، فضای زمانی به آخرت و قیامت منتقل می‌شود و در این آیات، بر سرنوشت بدکاران و نیکوکاران تأکید شده است. نخست، از دوزخ و جهنم وعده داده شده به مجرمان سخن به میان می‌آید: ﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ (۴۳)؛ در ادامه، به بهشت وعده داده شده برای کسانی که «خوف» الهی پیشه کنند، اشاره رفته است: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ﴾ (۴۶).

چیش عناصر یک کلمه واحد در سوره الرحمن

یکی از ویژگی‌های دستگاه‌هایی که دارای نظم غایی هستند، خاصیتی است که به آن جاذبه‌های غریب می‌گویند؛ یعنی جنبه‌هایی از نظم که بسیار جالب و حیرت‌انگیز است (Zare Zardini, 2016). در این قسمت، به ویژگی‌هایی از این سوره که می‌تواند نمونه‌ای از جاذبه‌های غریب باشد، اشاره می‌شود.

ذوالجلال و الاکرام؛ تجلی صفت جلال و جمال الهی صفت «ذوالجلال»، تجلی تمامی صفات جلال الهی، مانند علو، تعالی، عظمت، کبریا و در واقع، هر صفتی است که در آن علو و برتری نهفته است و صفت «الاکرام»، تجلی صفات جمال الهی، مانند علم، قدرت، حیات، رحمت و... است (Makarem Shirazi, 1992; Tabatabaei & Mousavi, 1995). یعنی صفت «ذوالجلال و الاکرام» تمامی صفات جمال و جلال الهی را در بر می‌گیرد که این موضوع، خود تجلی دیگری از رحمت عام الهی است. در سوره

در آیات سوره «الرحمن»، پس از یادکرد از نعمت‌های آسمانی همچون اندازه‌گیری دقیق و نظم خورشید و ماه (۵) و خضوع و انقیاد شبکه ستارگان (۶)، از رفعت و موزون بودن آسمان سخن به میان می‌آورد: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ (۷)؛ در ادامه، به خلقت زمین برای بشر اشاره رفته است: ﴿وَوَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (۱۰)؛ در دو آیه بعد نیز از نعمت‌های گیاهی موجود در زمین یاد شده است (۱۱ و ۱۲). تعبیر «وضع» برای زمین، در مقابل اصطلاح «رفع» برای آسمان، در راستای فهماندن بالا بودن آسمان و پایین بودن زمین است؛ چون عرب هر افتاده و پستی را وضع گویند (Tabatabaei & Mousavi, 1995). این تعبیر، خود شاهدی دیگر بر تقابل مفهومی «سما» و «ارض» در آیات مذکور است.

تقابل انس و جان

در ادامه آیات سوره «الرحمن»، از خلقت دو موجود با کیفیت متفاوت یاد شده است. نخست، آفرینش انسان از گل را یادآور می‌شود: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾ (۱۴)؛ در مقابل انسان، گروه «جن» قرار دارند که خلقت آن‌ها از آتش است: ﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ﴾ (۱۵)؛ در واقع، خلقت هر دو موجود از عناصر موجود در طبیعت است؛ اما کیفیت این دو خلقت، کاملاً متفاوت با یکدیگر است. همچنین، می‌توان مفهوم «انسان» در آیه را به معنای موجودات شناخته شده و «جان» را به معنای نمادی از موجودات ناشناخته و نامأنوس قلمداد کرد.

تقابل دو مشرق و دو مغرب

تقابل مشرقین و مغربین، بلافاصله پس از تقابل «انس» و «جان» در آیات سوره الرحمن مطرح گردیده است: ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ (۱۷)؛ تفسیر «مشرقین» به نیمکره شرقی و «مغربین» به نیمکره غربی (Fakhr al-Din al-Razi, 2000)، تفسیر دو مشرق به طلوع خورشید و دو مغرب به غروب خورشید (Qutb, 1995)، تفسیر «مشرقین» به تابستان و «مغربین» به زمستان (فصول سال) (Makarem Shirazi, 1992; Tabatabaei & Mousavi, 1995) و... آرای مطرح شده در تعیین مصداق دو

«الرحمن»، با بسامد دو مرتبه‌ای، صفت جلالت و کرامت الهی یادآوری شده است. نخستین یادکرد از این صفات، پس از اتمام شمارش نعمت‌های دنیوی است که به انسان ارزانی شده و در آیات متعددی به آن اشاره رفته است: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ (۲۷)؛ کاربرد دقیق این صفات پس از اتمام شمارش نعمت‌ها، در واقع تجلی جامعی از قدرت، علم، برتری، رحمت و... خداوند متعال است که پدید آوردن نعمت‌های دنیوی و رام ساختن آن‌ها برای انسان، تنها از ناحیه او امکان‌پذیر است. کاربرد دوم این صفات، در آیه انتهایی سوره الرحمن است: ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ (۷۸)؛ بابرکت بودن نام الهی، در واقع بازگشت به همان صفت رحمانیت خدا دارد که روح کلی سوره را این صفت در بر گرفته است. رحمانیت خدا نیز با صفات جلالت و جمال الهی محقق می‌شود. «پس اینکه فرمود: ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ﴾ معنایش این می‌شود که: متبارک است الله که به رحمان نامیده شد، بدان جهت متبارک است که این همه آلاء و نعمت‌ها ارزانی داشته و افاضه فرموده» (Tabatabaei & Mousavi, 1995).

چینش و کاربرد واژه «رب» در سوره کاربرد کلمه «رب» در آیات سوره «الرحمن»، بسامد ۳۶ مرتبه‌ای دارد که ۳۱ مرتبه آن در آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ به کار رفته است. به جز این آیه، کاربرد معنایی «رب» در سوره «الرحمن» در این آیات است:

﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ (۱۷)
 ﴿وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ (۲۷)
 ﴿وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (۴۶)
 ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ (۷۸)

کاربرد واژه «رب» در سوره «الرحمن»، نشانگر نکات زیر است: هر یک از کاربردهای معنایی «رب» در سوره، به نوعی تجلی‌گر صفت «الرحمن» است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، مانند آیه ۱۷ و ۴۶، صفت رحمانیت پروردگار یا «رب» با بیان نعمت‌های دنیوی و

اخروی تحقق می‌یابد و در آیات ۲۷ و ۷۸، این صفت با بیان صفات عام جمال و جلال الهی محقق می‌شود. سه رکوع سوره «الرحمن» با کاربرد معنایی «رب» پایان می‌پذیرند: ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (۲۵)؛ ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (۴۵)؛ ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ (۷۸). گستره معنایی سه رکوع نیز در حوزه یادآوری نعمت‌های دنیوی، هشدارها و نعمت‌های اخروی است.

کلمه «رب» را که در آیه ﴿وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ﴾ به سعه رحمت ستایش شده بود، در آیه آخر به صفت ﴿ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ﴾ ستوده و برای این بود که بفهماند اسمای حسناى خدا و صفات علیایش در نزول برکات و خیرات از ناحیه او دخالت دارند و اشاره کند به اینکه نعمت‌ها و آلاى او همه به مهر اسمای حسنی و صفات علیای او مارک خورده‌اند (Tabatabaei & Mousavi, 1995).

لؤلؤ و مرجان: نمادی از نعمت دنیوی؛ یاقوت و مرجان: نماد نعمت اخروی

کلمه «مرجان»، با بسامد دو مرتبه‌ای در سوره، حاوی پیام‌هایی است. نگارنده این پیام را ناظر بر اشاره کلی به دو نعمت «دنیوی» و «اخروی» می‌داند. بدین معنا که کاربرد نخستین «مرجان» در سوره، نمادی از نعمت‌های دنیوی و کاربرد دوم این واژه در سوره، نمادی از نعمت‌های اخروی است. «این واژه تنها در آیاتی که توصیف‌گر بهشت‌اند آمده و از قدیم، آن را گرفته‌شده از فارسی می‌دانستند، اما مسلم است که واژه مستقیماً از منابع ایرانی وارد زبان عربی نشده است. زمان درآمدن آن به زبان عربی باید قدیم باشد، زیرا در شعر قدیم عرب به کار رفته و بی‌شک در دوران پیش از اسلام، واژه شناخته‌شده‌ای بود» (al-Raghib al-Isfahani, 1995). نخستین کاربرد این واژه در آیه ۲۲ سوره «الرحمن» و در توصیف نعمت‌های دریایی است: ﴿مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَ الْمَرْجَانُ (۲۲)﴾ کاربرد دوم این واژه نیز در آیه ۵۸ سوره الرحمن و در توصیف همسران بهشتی است: ﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ

وَلَا جَانٌّ (۵۶) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷) كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸).

توصیف «جنتان» در سوره

در سوره «الرحمن»، با بسامد دو مرتبه‌ای از دو بهشت، «جنتان»، یاد شده است. با بررسی کاربرد دو مرتبه‌ای این واژه، ارتباط و نظم دقیقی بین آیاتی که در حوزه این دو واژه قرار دارند، می‌توان یافت. نخستین کاربرد «جنتان»، آیه ۴۶ سوره «الرحمن» است: ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (۴۶)؛ از آیه ۴۸ تا آیه ۶۰، به توصیف نخستین «جنتان» پرداخته شده است. اوصافی همچون نعمت‌ها و درختان پُرطراوت (۴۸)، جاری بودن همیشگی دو چشمه (۵۰)، موجود بودن هر میوه از دو نوع (۵۲)، در دسترس بودن نعمت‌ها در دو بهشت (۵۴) و وجود حورالعین بهشتی باکره (۵۶-۵۸)، در مورد «جنتان» نخست به کار رفته است. اما در آیه ۶۰، به جزای احسان در برابر احسان اشاره شده است: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (۶۰)؛ در واقع، در این آیه، نعمت‌های مذکور و نعمت‌هایی که پس از آن ذکر خواهد شد، حاصل اعمال خود انسان معرفی شده است. از دیدگاه نگارنده، این آیه حد وسط و قرینه کاربرد دو مرتبه‌ای «جنتان» در آیات سوره «الرحمن» است. در ادامه آیات، سخن از «جنتان» دیگر به میان می‌آید که در طبقه مادون از «جنتان» نخست قرار دارد: ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾ (۶۲)؛ توصیفات «جنتان» دوم عبارت است از: خرمی و سرسبزی (۶۴)، جاری بودن دو چشمه جوشان در آن (۶۶)، وجود میوه‌های متنوع (۶۸)، وجود زنان نیکوخلق (۷۰)، وجود حورالعین بهشتی مستور در خیمه‌ها (۷۲)، باکره بودن این حورالعین (۷۴) و فراهم بودن اسباب استراحت و آسایش برای بهشتیان (۷۶). نکته قابل توجه آنکه

contribute to a meaningful and purposeful textual order (Claude & Larcher, 2003). Nevertheless, a substantial proportion of previous scholarship has approached Qur'anic coherence at the level of individual verses, adjacent verses, or limited textual segments, without sufficiently examining the surah as an autonomous and coherent discursive unit. The investigation of coherence may proceed through several levels, including coherence within

پس از توصیف هر یک از نعمت‌های «جنتان»، آیه شاخص سوره تکرار شده است.

نتیجه‌گیری

ارتقای مطالعه نظم در قرآن از سطح آیه به سوره یا به عبارتی دیگر، از سطح ساده به پیچیده، می‌تواند مطالعه نظم سوره‌های قرآن را متحول کند. غرض کلی سوره الرحمن، یادآوری صفت رحمت عام خداوند بر بندگان در دنیا و آخرت است که هر یک از آیات این سوره، این هدف را به گونه‌ای خاص متجلی می‌سازند. این غرض و هدف در سبب نزول سوره، پیرامون پرسش مشرکان از صفت «رحمن» و نزول سوره به سبب این پرسش نیز متجلی است. تقسیم‌بندی دویخشی محوریت زمانی و مکانی در تحقق صفت «الرحمن»، انسجام محتوایی واحدهای موضوعی یا رکوعات سوره، نظم سوره بر اساس الگوی بلاغت سامی در شمارش نعمت‌ها، ترتیب زمانی در سلسله‌مراتب خلقت، ارتباط آغاز و پایان سوره در تحقق صفت رحمت الهی، عمومیت رحمت در نام سوره و خصوصیت آن در آیات سوره و ختم نعمت‌ها با آیه شاخص سوره با بسامد ۳۱ مرتبه‌ای، همسانی عددی و آهنگین در سوره و چینش و تکرار واژه‌ها با ترتیب بسیار دقیق در سوره، ابعاد مختلفی از نظم در سوره مبارکه الرحمن است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study of Qur'anic coherence is founded on the premise that every text or discourse constitutes a linguistic system governed by identifiable internal relations and that these relations can be discovered through systematic interpretation (Vaezi, 2004). As divine discourse, the Qur'an possesses an interconnected literary and discursive structure in which words, propositions, passages, and surahs

a verse, coherence among the passages of a discourse, coherence throughout an entire surah, and intertextual coherence between two or more surahs (Azimzadeh et al., 2001). Moving from the verse-centered level to the surah-centered level is particularly important because every surah can be understood as an independent yet internally integrated discourse that possesses its own introduction, thematic development, and conclusion. Although different surahs may address similar subjects—including monotheism, prophecy, earlier communities, resurrection, Paradise, and Hell—the presentation of these subjects in each surah is organized in accordance with its distinctive thematic axis and communicative purpose (Ayazi, 2000). Accordingly, the verses of a surah are not merely arranged in a linear sequence; rather, they are organized around a central purpose, while internally related groups of verses articulate subsidiary themes that collectively advance that overarching purpose (Khomehgar, 2007). Surah al-Rahman provides a particularly significant case for examining this proposition because its recurring references to divine blessings, creation, cosmic order, human accountability, eschatological punishment, and paradisiacal reward appear diverse at first sight, yet they are systematically connected through the concept of God’s universal mercy. The surah’s thirty-onefold repetition of the verse “So which of your Lord’s blessings will you both deny?” further suggests that repetition operates not merely as an ornamental literary device but as a structural, semantic, rhetorical, pedagogical, numerical, and rhythmic mechanism. The present study therefore addresses the need to move beyond fragmented analyses of correspondence among individual verses and to develop an operational account of intra-surah coherence capable of explaining how the complete sequence of Surah al-Rahman is governed by a unified purpose.

The principal purpose of this study was to identify the central objective of Surah al-Rahman and demonstrate the mechanisms through which its

verses form a purposeful and non-random system. More specifically, the study sought to determine the thematic axis on which the surah’s structural coherence is founded, explain the role of the recurrent verse in connecting its different sections, and clarify how the theory of Qur’anic coherence contributes to discovering the surah’s monotheistic and educational messages. The theoretical premise of the investigation was that each Qur’anic surah pursues a definite purpose through a gradual development of its verses and reaches completion when that purpose has been adequately realized (Marifat & Molaeniya, 1994). Contemporary theories of thematic unity likewise emphasize the discovery of a surah’s central axis, unified purpose, or governing spirit as the foundation of surah-centered interpretation (Ali al-Abyad, 2012; Madani, 1991). In Surah al-Rahman, this governing spirit is the explanation and recollection of God’s universal mercy, represented through legislative blessings, creational blessings, the creation of humankind and jinn, the ordering of heaven and earth, the regulation of terrestrial and maritime phenomena, warnings concerning mortality and judgment, and promises of paradisiacal reward. This interpretation is reinforced by traditional accounts of the occasion of revelation, according to which the surah was revealed in response to the Meccan unbelievers’ questioning or denial of the divine name al-Rahman (al-Samarqandi, 1995; al-Tabrisi & Balaghi, 1993; Maybodi, 1992; Muqatil ibn Sulayman, 2003). The surah can therefore be read as an extended elucidation of the meaning and manifestations of this divine attribute. Its general purpose is not limited to enumerating blessings but encompasses an invitation addressed to humankind and jinn to recognize, affirm, and gratefully respond to the divine signs manifested in the created order and in the destiny awaiting them. Theoretical studies of the geometric structure of Qur’anic surahs and practical investigations of coherence have established that discovering such an organizing purpose requires attention to thematic units, textual beginnings and endings,

rhetorical correspondences, lexical distributions, repetitions, and relations between apparently distant passages (Dalayeli, 2016; Zare Zardini, 2016). Accordingly, the study hypothesized that all the verses of Surah al-Rahman are arranged around the manifestation of universal divine mercy and that their sequential progression directs the audience from the recognition of divine blessings toward awareness of worldly transience, eschatological accountability, and the hope of eternal felicity.

The research employed a qualitative textual and discourse-analytical method, integrating several operational models for investigating Qur'anic coherence rather than restricting the analysis to a single interpretive technique. Textual analysis was selected because it facilitates the description of related and meaningful linguistic units at the level of the sentence and beyond it, while discourse analysis makes it possible to examine the interaction of semantic, structural, rhetorical, and communicative dimensions within a complete surah (Abd al-Raof & Harri, 2012). The analytical process began by identifying the surah's principal objective through its dominant vocabulary, thematic progression, occasion of revelation, opening and concluding verses, and recurrent refrain. The verses were then classified according to two temporal and spatial domains: this world and the Hereafter, or the present created order and the future eschatological order. Since time and space contribute to the development, movement, and organization of discourse, this division was employed to clarify how worldly and otherworldly manifestations of mercy participate in a unified conceptual structure (al-Khatib, 1975; Bahrawi, 1990). The surah was subsequently divided into three thematic units or *rukū's*: verses 1–25, concerning creational and worldly blessings; verses 26–45, concerning mortality, resurrection, judgment, and the fate of offenders; and verses 46–78, concerning the paradisiacal destiny of the God-conscious. Thematic units were treated as internally coherent groups of verses, each possessing a discernible thematic beginning and

ending while remaining subordinate to the surah's comprehensive objective (Moradi Zanjani & Lesani Fesharaki, 2006). The analysis also applied the principles of Semitic rhetoric to identify parallel, circular, and mirror-like configurations among the verses (Meynet et al., 2004). Additional procedures included examining the chronological sequence of creation, death, resurrection, and reward; comparing the opening divine name al-Rahman with the concluding expression "Blessed is the name of your Lord, Possessor of Majesty and Honor"; analyzing the relationship between the surah's title and its recurrent verse; counting the repetitions of that verse and the explicitly enumerated blessings; examining the phonological pattern of verse endings; identifying binary oppositions; and studying the distribution of such key expressions as "Lord," "Possessor of Majesty and Honor," "coral," and "two gardens." Classical and contemporary exegetical interpretations were used to clarify lexical meanings and contextual relations without replacing the text-centered analysis (Fakhr al-Din al-Razi, 2000; Makarem Shirazi, 1992; Tabatabaei & Mousavi, 1995).

The findings indicated that the central purpose of Surah al-Rahman is the elucidation of God's universal mercy through a progressively organized presentation of divine action, blessing, warning, judgment, and reward. The opening divine name al-Rahman establishes the semantic center of the discourse, and the subsequent references to teaching the Qur'an, creating humankind, teaching articulate expression, regulating the sun and moon, raising the sky, establishing balance, preparing the earth, producing fruits and plants, creating humankind and jinn from different elements, governing the two easts and two wests, separating the two seas, producing pearls and coral, and enabling ships to move across the seas serve as concrete manifestations of that universal mercy. This reading accords with the view that the surah's diverse subjects are unified by the enumeration of divine favors in this world and the Hereafter and by the corresponding invitation to gratitude and

rejection of denial (Muslim, 2010). The thematic division into three units revealed a deliberate pedagogical progression. The first unit establishes the divine source, cosmic scope, and human relevance of worldly blessings. The second interrupts the possibility of complacency by reminding the audience that all created beings are perishable, that God alone remains, and that judgment will distinguish those who acknowledge divine truth from those who deny it. The third describes two pairs of gardens and their blessings as the ultimate manifestation of mercy for those who fear standing before their Lord. Eschatological warnings are therefore not inconsistent with mercy; rather, they function as manifestations of pedagogical mercy because they encourage moral vigilance and direct the audience away from denial and toward salvation. The temporal sequence of creation, death, resurrection, judgment, and reward further demonstrates that the surah's arrangement is neither fragmented nor arbitrary. The spatial movement between heaven and earth, land and sea, the worldly realm and the Hereafter, and Hell and Paradise likewise creates an integrated map of divine governance. Moreover, the opening and ending of the surah form a coherent interpretive frame: the opening announces al-Rahman, whereas the concluding verse identifies the Lord's name as blessed and associates it with majesty and honor. Thus, the conclusion returns the audience to the opening attribute after demonstrating its manifestations throughout both worldly and otherworldly existence (Tabatabaei & Mousavi, 1995). The surah consequently develops from the general declaration of universal mercy to its detailed manifestations and then returns to a comprehensive glorification of the divine name.

The rhetorical analysis revealed a mirror-like arrangement connecting the creation of humankind, heaven, and earth across different portions of the surah. The initial sequence moves from humankind (A) to heaven (B) and then to earth (C); subsequent verses return to humankind with a more detailed description of its material creation (A'), expand the description of terrestrial and maritime blessings

(C'), and finally return to heaven by describing its eschatological dissolution (B'). The references to humankind therefore exhibit a relation of summary and elaboration, the references to the earth display correspondence through diverse terrestrial blessings, and the references to heaven establish a relation between cosmic creation and eschatological destiny. Binary oppositions reinforce this structural design, including heaven and earth, humankind and jinn, the two easts and two wests, the perishable and the enduring, and Hell and Paradise. In semantic theory, such oppositions generate meaning by positioning related concepts against one another (Izutsu & Poursina, 1999; Matloub, 2000). The recurrent verse connects these contrasts and thematic transitions by repeatedly addressing both humankind and jinn and requiring them to evaluate the blessings, signs, warnings, and promises just presented. Its thirty-one occurrences correspond to thirty-one explicitly identifiable worldly and otherworldly blessings. Numerical regularity is also evident in the eschatological sections: the refrain occurs five times among the ten verses describing the signs and punishments of judgment and sixteen times within the thirty-two verses devoted to the condition of the inhabitants of Paradise. Phonological coherence is created through the recurring long /ā/ and final /n/ sounds in the verse endings, particularly in "al-Rahman" and the repeated refrain. The extended vowel contributes to an auditory impression of elevation and expansiveness, while the recurrent /n/ reinforces continuity and acoustic unity (Abbas, 1998; Nazari & Lotfi, 2013). Lexical distribution provides further evidence: the word "Lord" occurs thirty-six times, including thirty-one occurrences in the refrain, and its other occurrences appear at strategically significant points involving cosmic governance, divine permanence, fear of judgment, and the concluding glorification. The expression "Possessor of Majesty and Honor" occurs after the enumeration of worldly blessings and again at the conclusion of the entire surah, thereby embracing the discourse of mercy within the complementary

attributes of divine majesty and beauty. Similarly, “coral” first appears as a worldly maritime blessing and later as an image of paradisiacal beauty, while the two occurrences of “two gardens” introduce two symmetrically described paradisiacal sections organized around the pivotal statement, “Is the reward of goodness anything but goodness?” Collectively, these patterns demonstrate the interaction of semantic, structural, numerical, lexical, rhetorical, and acoustic forms of coherence. The analysis demonstrates that Surah al-Rahman possesses a comprehensive, purposeful, and non-random intra-surah order centered on the manifestation of God’s universal mercy and the invitation of humankind and jinn to recognize, affirm, and gratefully respond to divine blessings. Every major component of the surah contributes to this central purpose: the teaching of revelation and expression represents legislative and intellectual mercy; the creation and regulation of heaven, earth, humankind, jinn, seas, plants, celestial bodies, and natural resources represent creational mercy; reminders of mortality and resurrection represent cautionary and pedagogical mercy; and descriptions of the gardens, springs, fruits, repose, companionship, and beauty of Paradise represent eschatological mercy. The surah’s organization leads the audience through a coherent educational journey beginning with knowledge and creation, continuing through balance and worldly provision, moving toward awareness of transience and accountability, and culminating in hope for eternal reward. Its three thematic units retain their individual subjects while participating in a single discursive design. The contrast between this world and the Hereafter, the correspondences between heaven and earth, the sequence of creation, death, judgment, and reward, the relationship between the opening and concluding verses, the binary oppositions, and the calculated distribution of key terms all confirm the unity of this design. Most importantly, the repeated question concerning the denial of the Lord’s blessings operates simultaneously as a refrain, a structural boundary, a thematic connector, a dialogical address, and an

instrument of moral education. It transforms the enumeration of blessings from descriptive information into an ongoing demand for recognition and responsibility. The study therefore shows that the analysis of Qur’anic coherence should not remain confined to relations between adjacent verses. Treating the surah as a complete discursive unit makes it possible to identify more complex relations among distant passages and to explain how thematic development, rhetorical arrangement, numerical proportion, lexical recurrence, and sound patterning cooperate in conveying a unified message. The operational models employed in this research may consequently provide a practical framework for extending studies of Qur’anic coherence from the verse-centered level to the surah-centered level and for conducting comparable structural analyses of other Qur’anic surahs.

References

- Abbas, H. (1998). *Characteristics and Meanings of Arabic Letters*. Union of Arab Book Publishers.
- Abd al-Raof, H., & Harri, A. (2012). *Studying the Quran as a Literary Work*. Niloufar.
- Abu Hayyan, M. i. Y. (2000). *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir al-Quran*. Dar al-Fikr.
- al-Dinawari, A. i. M. (2003). *Al-Wadih fi Tafsir al-Quran*. Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- al-Houfi, A. (1971). Saj or Fawasil. *Journal of the Arabic Language Academy*, 27.
- al-Jurjani, H. i. H. (1959). *Jala al-Adhhan wa Jala al-Ahzan*. University of Tehran.
- al-Khatib, A. a.-K. (1975). *Quranic Narratives in Their Explicit and Implicit Meaning*. Dar al-Maarifah.
- al-Raghib al-Isfahani, H. i. M. (1995). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Dar al-Qalam.
- al-Samarqandi, A. a.-L. (1995). *Bahr al-Ulum*. Dar al-Fikr.
- al-Tabrisi, F. i. H., & Balaghi, M. J. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (3rd ed.). Naser Khosrow.
- al-Thaqafi, A. i. I. (2007). *Al-Burhan fi Tanasub Suwar al-Quran*. Dar Ibn al-Jawzi.
- Ali al-Abyad, A. H. (2012). *The Thematic Unity of the Holy Quran*. Dar al-Afaq al-Arabiyyah.
- Ayazi, S. M. A. (2000). *The Coherent Face of the Quran*. Quranic Research Institute.

- Azimzadeh, F., Razi, B. S., & Pouyazadeh, A. (2001). *A New Perspective on Quranic History and Sciences*. Quran Foundation.
- Bahrawi, H. (1990). *The Structure of the Narrative Form*. Arab Cultural Center.
- Claude, G., & Larcher, P. (2003). Language and Style of the Quran. In J. D. McAuliffe (Ed.), *Encyclopaedia of the Quran* (Vol. 3, pp. 109-135). Brill.
- Dalayeli, N. (2016). *A Reflection on the Connection among Verses in Surah al-Rahman* [University of Quranic Sciences and Knowledge, Maragheh Faculty].
- Fakhr al-Din al-Razi, A. A. A. M. i. U. (2000). *Mafatih al-Ghayb* (3rd ed.). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Izutsu, T., & Poursina, Z. (1999). *The Concept of Belief in Islamic Theology*. Soroush Publications.
- Khamehgar, M. (2007). *The Geometric Structure of Quranic Surahs*. Islamic Propagation Organization.
- Madani, M. (1991). *Islamic Society as Regulated by Surah al-Nisa*.
- Makarem Shirazi, N. (1992). *Tafsir Nemouneh*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Marifat, M. H., & Molaeiniya, E. (1994). *Coherence among Quranic Verses*. Islamic Knowledge Foundation.
- Matloub, A. (2000). *Dictionary of Rhetorical Terms and Their Development*. Maktabat Lubnan.
- Maybodi, A. i. M. (1992). *Kashf al-Asrar wa Uddat al-Abrar*. Amir Kabir.
- Meynet, R., Pouzey, Faroult, & Sinno. (2004). *Rhetorical Analysis and Interpretation: Analyses of Biblical Texts and Prophetic Hadith*. Dar al-Mashriq.
- Moradi Zanjani, H., & Lesani Fesharaki, M. A. (2006). *Thematic Research Method in the Holy Quran*. Ghalam Mehr.
- Muqatil ibn Sulayman, a.-B. (2003). *Tafsir Muqatil ibn Sulayman*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Muslim, M. (2010). *Thematic Exegesis of Quranic Surahs*. University of Sharjah.
- Nazari, A., & Lotfi, E. (2013). Surah al-Rahman from a Stylistic Perspective. Second National Conference on the Inimitability of the Holy Quran, Tehran.
- Qutb, S. (1995). *Al-Taswir al-Fanni fi al-Quran*. Dar al-Shuruq.
- Razi, A. a.-F. H. i. A., Yahaghi, M. J., & Naseh, M. M. (1988). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*. Astan Quds Razavi.
- Tabatabaei, S. M. H., & Mousavi, M. B. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom Seminary Teachers' Society.
- Vaezi, A. (2004). Dimensions of Meaning Studies. *Hawzah and University Journal*(39).
- Zare Zardini, A. (2016). Examining Coherence in Quranic Surahs: An Attempt to Discover the Coherence of Surah Ya-Sin. *Scientific-Research Journal of Quranic Exegesis and Language*, 5(1).